

سیاست پذیرش دانشجویان بومی از چشم‌انداز همبستگی ملی

* ابراهیم صالحی عمران

E-mail: edpes60@hotmail.com

** اقدس عالی شونندی

E-mail: aghdasalishavandi946@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱۲

چکیده

گسترش آموزش عالی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عصر کنونی می‌باشد که مورد بحث بسیاری از دانشمندان قرار گرفته است. انگیزه اصلی تقویت نظام‌های آموزش عالی در فراهم آوردن کادر آموزش دیده نهفته است. اما از طرف دیگر گسترش آموزش عالی می‌تواند کارکردهای متنوعی داشته و به همبستگی ملی نیز کمک نماید. در این راستا انتظار می‌رود که آموزش عالی وسیله برای توسعه و آموزش مهارت‌ها و نگرش‌هایی باشد که نسل آتی در اجتماع به‌طور مناسبی برای شکل‌گیری ملت و دولت بدان نیازمند است. در این مقاله نقش عناصر مختلف آموزش عالی از جمله شیوه پذیرش و گزینش دانشجو بر همبستگی ملی مورد توجه قرار گرفته است. لذا در این مقاله به بررسی رابطه این نوع شیوه پذیرش دانشجو و تأثیر آن در همبستگی ملی پرداخته شده است. در پژوهش حاضر دو گروه از مدیران آموزش عالی در وزارت علوم و دانشجویان چهار دانشگاه الزهراء، شیراز، هرمزگان و مازندران مورد نظرخواهی قرار گرفتند. براساس یافته‌های پژوهش، در سال ۱۳۸۸، تعداد پذیرفته شدگان بومی ۷۳/۹٪ بوده که ۵۵/۹۱٪ آن در دوره روزانه، ۷۸/۷۴٪ در دوره شبانه، ۹۰/۴۱٪ در دانشگاه پیام نور و ۵۲/۶۸٪ از دانشجویان در دوره غیرانتفاعی پذیرفته شدند. به هر جهت از منظر متقاضیان آموزش (دانشجویان) و عرضه‌کنندگان (مدیران آموزش عالی)، پذیرش دانشجویان بومی، مانعی برای تبادل فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها محسوب می‌شود؛ و منجر به شناخت کمتر اقوام از یکدیگر شده که این امر به انسجام و همبستگی ملی خدشه وارد خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، پذیرش دانشجو، بومی‌گزینی، همبستگی ملی،

هویت.

* دکتری برنامه‌ریزی آموزشی و دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه مازندران

مقدمه

آموزش عالی محور اصلی توسعه و هم‌چنین محل تولید و انباشت دانش و ابزار اصلی انتقال میراث فرهنگی شمرده می‌شود. در واقع، آموزش عالی را از ارکان اصلی تضمین وحدت‌آفرینی در قرن آینده دانسته‌اند. سیاست ایجاد وحدت، انسجام و همگونی به نظام سیاسی و دولت خاصی محدود نمی‌شود و با توجه به این‌که آموزش عالی تأمین‌کننده منافع ملی ایران است در شکل کلی خود مورد توجه دولت‌ها بوده است. آموزش عالی با جریان‌های ضد و نقیضی در جهان امروز روبروست، چنان‌که به اعتقاد صاحب‌نظران این حوزه، آموزش عالی دچار وضعیت «فوق پیچیدگی» شده است. این رویکرد باعث شده است که آموزش عالی به‌عنوان یک نقطه کانونی که پیشرفت جوامع را در سایر زمینه‌ها نیز تضمین می‌کند، توجه بسیاری را به خود جلب کند. به همین دلیل کشورها بر آن شدند تا نظام آموزش عالی خود را تا سر حد توان گسترش دهند. درک اهمیت آموزش عالی از سوی کشورهای جهان باعث شده است تا توسعه آموزش عالی در اولویت سیاست‌گذاری‌های آموزشی آنها قرار گیرد، به طوری که تعداد دانشجویان جهان از ۱۳ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ با بیش از ۱۰ برابر افزایش به ۱۳۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۶ رسیده است (روشن، ۱۳۸۷: ۵۶).

دانشگاه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای آموزشی مدرن در ایران در طول هفتاد و چند سال از تأسیس دچار تغییرات متعدد به لحاظ اهداف، کارکرد، ساختار شده است. یکی از این موارد سیاست بومی‌گزینی است. بومی به‌صورت بومی استانی، ناحیه‌ای، قطبی و گزینش به‌صورت کشوری (بدون بومی‌گزینی) می‌باشد (دفترچه راهنمای کنکور، ۱۳۸۸). سیاست بومی‌گزینی یعنی دانشجویان مربوط به هر منطقه فقط به دانشگاه‌های منطقه و بوم خود وارد شوند و از قبولی دانشجویان در خارج از بوم خود جلوگیری شود. از اهداف بومی‌گزینی را، دفترچه راهنمای کنکور ۱۳۸۸، چنین بیان کرده است: ۱- کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان و دانشگاه (نظیر مشکل کمبود خوابگاه، افت تحصیلی ناشی از دوری خانواده و مشکلات اقتصادی). ۲- کاهش مهاجرت‌های درون کشوری ۳- گزینش بومی باعث خواهد شد تا داوطلبان هر ناحیه با امتیازات در نظر گرفته شده بتوانند از امکان قبولی بیشتر در رشته‌های بومی بهره‌مند گردند. به هر جهت این نوع شیوه پذیرش دانشجو از منظر مختلفی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به‌طور مثال، سیاست بومی‌گزینی در آموزش عالی سبب بروز چندین پیامد اجتماعی خواهد شد، از جمله، گسترش تبعیض و شکاف‌های محلی - منطقه‌ای که خود

در شرایط کنونی نیز آستن جدایی طلبی و گسیختگی یا تجزیه ملی است نه یکپارچگی ملی. اگر مهاجرت اقوام مختلف به شهرهای بزرگ باعث تعامل میان اقوام و فرهنگ‌ها و گسترش گفتمان همبستگی در بین اقوام و مذاهب می‌شود؛ طرح بومی‌گزینی باعث ترویج قوم‌گرایی و قوم‌سالاری می‌شود. بدین معنا که با این رویکرد داوطلبان مناطق کوچکتر باید در همان حوزه کوچک محل سکونت خود بمانند و از مناطق مدرن‌تر و با امکانات بهتر دانشگاهی محروم باشند. و هم‌چنین، گسترش تعمیق محرومیت تحصیلی، تجربی، اجتماعی، فرهنگی بین ساکنان مناطق مختلف از یکسو و بین منطق شهری و روستایی از سوی دیگر به گسترش تضادهای محلی و منطقه‌ای خواهد شد که چه بسا باعث کاهش همبستگی ملی خواهد شد. بومی‌گزینی در حالی مطرح می‌شود که امکانات آموزشی در ایران، در سطح یکسانی نیست. درحالی‌که، نادیده گرفتن عدالت در امر آموزش بحثی نیست که بتوان به راحتی از آن عبور کرد. اجرای این طرح اگر چه در کوتاه مدت ممکن است سبب پیشگیری فرار مغزها از مناطق شود ولی در بلند مدت سبب افت علمی و دانشی مناطق محروم می‌شود چرا که به‌طور هم‌زمان محرومیت‌های استانی و منطقه‌ای هم‌چنان ادامه خواهد یافت. علاوه بر اینها، تعادل نسبت عرضه و تقاضای دانشجو نیز بر هم می‌خورد. بخش مهمی از دانشجویان دانشگاه‌های مهم کشور را دختران تشکیل می‌دهند که با این سهمیه‌بندی این تعادل از هم می‌پاشد. این موارد نیز مسائلی جدیدی را بر مسائل قبلی می‌افزاید که با ماده ۵۲ (۱) قانون برنامه مغایر می‌باشد.

بنابراین ضرورت دارد ابتدا ابعاد نظری این موضوع روشن شود. سپس با مراجعه به آمار و وضعیت موجود پذیرش دانشجو به‌طور عینی این موضوع مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد. به علاوه این نوع سیاست در دیدگاه جامعه علمی، متقاضیان و ذینفعان آموزش عالی به درستی تبیین نشده است. لذا مسأله اصلی تحقیق روشن‌سازی ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و آموزشی آن در نگاه مدیران آموزش عالی (عرضه‌کنندگان آموزش عالی) از یک طرف، و از طرف دیگر پذیرش این سیاست از طرف متقاضیان آموزش عالی^۱ می‌باشد. مسلماً اگر خواهان ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی هستیم، هر نوع هر نوع سیاست و قانون آموزشی می‌بایست مورد بررسی موشکافانه قرار گیرد تا شاهد یک نظام آموزش عالی کیفیت‌گرا، مشتری‌مدار و پاسخگو نیز باشیم.

سیاست پذیرش دانشجوی بومی در آموزش عالی

در جلسه ۲۱۳ به تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب شد که کشور به سه منطقه شهرهای بسیار برخوردار، برخوردار، کم برخوردار تقسیم شد و ظرفیت‌ها نیز در دوره‌های مختلف به نسبت جمعیت این مناطق تقسیم شد. همچنین در کنار این مناطق بر اساس مصوبه مجلس چند ظرفیت دیگر همچون شاهد ایشارگر و غیره نیز ایجاد شد. بر اساس تبصره ۲ و ۳ این مصوبه ۲۰٪ ظرفیت رشته‌های مربوط به بوم استان، ناحیه و قطب به صورت آزاد و ۸۰٪ بومی و ۲۰٪ آزاد تکمیل می‌شود (رجبی معماری، ۱۳۸۸: ۴۹). تحقیقات انجام شده در این زمینه به دلیل عدم اعمال بومی‌گزینی در طی ۱۸ سالی که از مصوب شدن آن در شورای عالی می‌گذرد تقریباً در حد صفر است و تنها می‌توان به مصوبه خود شورا و اظهارنظرهایی که در سال اخیر و به دنبال اجرای غیرمنتظره آن به وقوع پیوست پرداخت.

مسئله بسیار مهمی که واکنش داوطلبان کنکور، نمایندگان مجلس، وزرا و صاحب‌نظران امر آموزش را طی سال ۱۳۷۸-۱۳۸۸ برانگیخته، شیوه اعمال شده در پذیرش بومی دانشجویان در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بوده است. بر طبق مصوبه ۱۳۸۷/۵/۱، جلسه ۶۲۸ شورای انقلاب فرهنگی در پاسخ به پیشنهاد ۱۳۸۷/۳/۲۶ وزرات علوم، سازمان سنجش مؤظف است که با همکاری وزارتخانه‌های علوم و بهداشت حداقل ۶۵٪ از حجم پذیرش دانشجو را به صورت بومی - استانی انجام دهد و دانشگاه آزاد اسلامی هم مؤظف به انجام همین امر در مورد ۷۰٪ از داوطلبان است. بومی‌گزینی ۴ مرحله استانی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و کشوری دارد که در برخی رشته‌ها مثل هنر بومی‌گزینی کشوری بوده است.

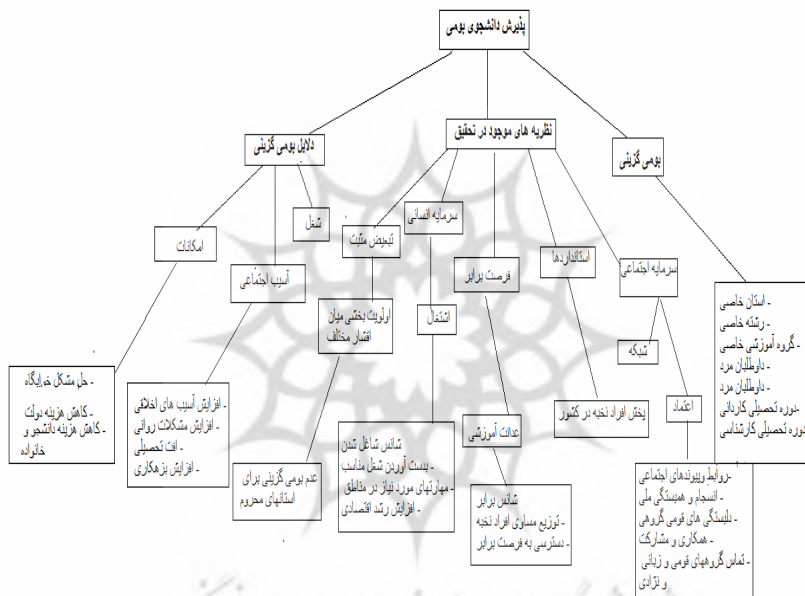
این سیاست با موجی از دیدگاه‌های موافق و مخالف روبرو شده است. به گونه‌ای که در حال حاضر جهت‌گیری‌های خاصی در میان نمایندگان مجلس، مدیران و مسئولین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش آموزش کشور و همچنین اعضای هیأت علمی، مدیران و رؤسای بعضی از دانشگاه‌های معروف و مادر کشور و مدیران و صاحب‌نظران علمی و فرهنگی کشور آغاز شده است.

الف) موافقین طرح: موافقین به مزیت‌هایی مانند تمرکززدایی و جلوگیری از مهاجرت (هر سال دانشگاه‌های تهران اکثریت داوطلبان با هوش را جمع می‌کنند درحالی‌که این افراد می‌توانند در خدمت منطقه خود باشند. بسیاری از داوطلبانی که به تهران آمده‌اند حاضر به بازگشت نیستند و در نتیجه این به توزیع نامتوازن افراد تحصیل کرده در سراسر کشور منجر می‌شود)، ارتقاء ارزش افزوده در مناطق کشور، کاهش هزینه

رفت و آمد خانواده‌ها، کاهش آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی دختران و پسران دانشجوی.

ب) مخالفین طرح: مخالفان این تصمیم چنین استدلال می‌کنند که این شیوه منجر به بروز آسیب‌هایی مانند عدم رعایت عدالت آموزشی و اجتماعی، (یعنی حذف شهرستان‌ها از دسترسی به دانشگاه‌های تهران و سخت کردن رقابت شهرستانی‌ها در رسیدن به دانشگاه‌های تهران که این کاملاً به نفع دانش‌آموزان پر امکانات تهرانی است). توجه به کارکردهای سیاسی طرح تا علمی آن (که دانشجویان شهرستانی در امر سیاسی فعال‌تر عمل کنند و این برای محدود کردن حضور آنها در دانشگاه‌های تهران که کانون فعالیت‌های سیاسی است اتخاذ شده است، همچنین کم‌رنگ ساختن جنبش زنان به دلیل کمیت بالاتر آنان در آموزش عالی)، کاهش همبستگی اجتماعی و ملی اقوام ایرانی، مسائل اقتصادی دولت (مانند تأمین خوابگاه برای دانشجویان)، کاهش کیفیت علمی دانشگاه‌ها.

بنابراین ملاحظه می‌شود که این نوع سیاست پذیرش دانشجو در دانشگاه می‌تواند با توجه به چارچوب نظری از جمله نظریه سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و... به شرح نمودار زیر مورد بحث، بررسی قرار گیرد:



نمودار شماره ۱: الگوی نظری بررسی پذیرش دانشجوی بومی

هدف تحقیق

هدف اساسی این تحقیق بررسی رابطه بین سیاست پذیرش دانشجو یان بومی در دانشگاه‌های ایران و ارتباط آن با همبستگی ملی در دیدگاه متقاضیان آموزشی (دانشجویان) و مدیران ارشد آموزش عالی کشور می‌باشد.

سؤالات تحقیق

این پژوهش شکل گرفت تا پاسخ‌گوی سه سؤال اساسی زیر باشد:

- ۱- آمار وضعیت موجود پذیرش دانشجویان با توجه به سیاست بومی‌گزینی در کنکور سال ۱۳۸۸ چگونه بوده است؟
- ۲- پذیرش دانشجویان بومی از منظر عرضه‌کنندگان آموزش عالی و متقاضیان آموزش عالی چگونه تلقی می‌شود؟
- ۳- تا چه میزان سیاست بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو می‌تواند منجر به افزایش اعتماد و همبستگی ملی و اجتماعی شود؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - استنباطی می‌باشد. در این تحقیق با توجه به اهداف از قبل تعیین شده، داده‌ها از طریق اسناد و مدارک، پرسشنامه محقق ساخته، و مصاحبه نیمه ساختار یافته (روش مثلث‌سازی) جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق شامل سه گروه می‌باشد:

- الف) متقاضیان آموزش عالی شامل؛ دانشجویان دختر و پسر ورودی سال ۱۳۸۸ دانشگاه مازندران به حجم نمونه ۵۷ نفر، دانشگاه شیراز به حجم نمونه ۱۰۲ نفر، دانشگاه هرمزگان با حجم نمونه ۲۶ نفر و دانشگاه الزهرا با حجم نمونه ۳۱ نفر می‌باشد.
 - ب) عرضه‌کنندگان آموزش عالی شامل؛ مدیران ارشد آموزش عالی در سازمان سنجش آموزش کشور و وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری حجم نمونه ۶ نفر می‌باشد.
 - ج) علاوه بر این در این مطالعه، جهت بررسی وضع موجود پذیرفته‌شدگان بومی زن و مرد و دوره‌های روزانه، شبانه، غیرانتفاعی، پیام نور سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ از اسناد و مدارک، مستندات و گزارشات موجود در آرشیو دفتر بررسی‌های فنی و آماری سازمان سنجش و آموزش کشور نیز استفاده گردید.
- روش نمونه‌گیری دانشجویان به دلیل مورد توجه قرار دادن طبقه‌های مختلف جنس

زن و مرد) و مناطق (بومی و غیربومی، محروم) از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌های زمانی و مکانی در جمع‌آوری اطلاعات برای نظرخواهی از مدیران ارشد وزارت علوم و دانشجویان چهار دانشگاه بزرگ از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است.

نتایج تحقیق

الف) آمار و وضعیت موجود پذیرش دانشجویان با توجه به سیاست بومی‌گزینی در کنکور سال ۱۳۸۸ چگونه بوده است؟

مسئله بسیار مهمی که طی سال ۱۳۷۸-۱۳۸۸ به تصویب رسید، شیوه اعمال شده در پذیرش بومی دانشجویان بوده است. در آزمون سال ۱۳۸۸، از تعداد ۱۲۲۷۸۵۴ نفر شرکت‌کننده که ۷۶۴۵۳۶ نفر زن و ۴۶۳۳۱۸ نفر مرد بوده‌اند؛ ۳۸۹۳۲۵ نفر پذیرفته شده بومی بوده‌اند (۷۳/۹٪) که تعداد پذیرفته شدگان بومی زن ۲۵۳۵۳۰ نفر (۷۶/۸۰٪) و تعداد پذیرفته شدگان مرد ۱۳۵۷۹۵ نفر (۶۹/۰۵٪) بوده است. در دوره روزانه تعداد پذیرفته شدگان بومی در سال ۱۳۸۸، ۵۰۵۰۸۰۰ نفر (۵۵/۹۱٪) بوده؛ در دوره شبانه تعداد پذیرفته شدگان بومی، ۲۳۷۱۶ نفر (۷۸/۷۴٪) بوده، در دوره پیام‌نور تعداد پذیرفته شده بومی، ۲۳۸۶۵۳ نفر (۹۰/۴۱٪) بوده و در دوره غیرانتفاعی تعداد پذیرفته شده بومی ۶۵۳۵۲ نفر، (۵۲/۶۸٪) بوده است. این نکته نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان در منطقه بومی و فرهنگی خودشان پذیرفته شده و امکان آشتایی آنان با مناطق و فرهنگ‌های مختلف کاهش پیدا خواهد نمود و این ممکن است تأثیر منفی بر همبستگی ملی داشته باشد.

۱- مقایسه کل پذیرفته شدگان بومی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

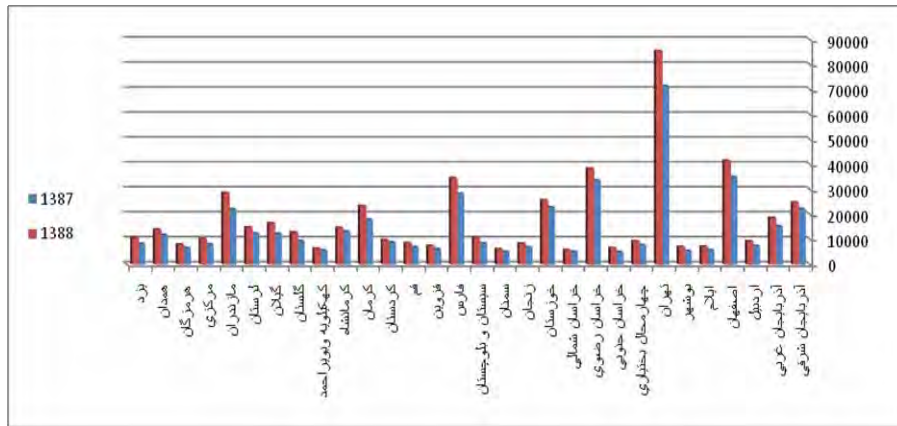
جدول شماره ۱: تعداد کل و درصد پذیرفته شدگان بومی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

استان بومی	۱۳۸۸		۱۳۸۷	
	درصد بومی	تعداد پذیرفته شده	درصد بومی	تعداد پذیرفته شده
آذربایجان شرقی	۸۷/۷۰	۲۴۸۰۶	۸۷/۹۱	۲۲۲۸۲
آذربایجان غربی	۸۲/۳۳	۱۸۶۶۵	۸۲/۹۹	۱۵۳۲۴
اردبیل	۷۰/۳۴	۹۳۰۲	۷۷/۲۱	۷۵۲۲

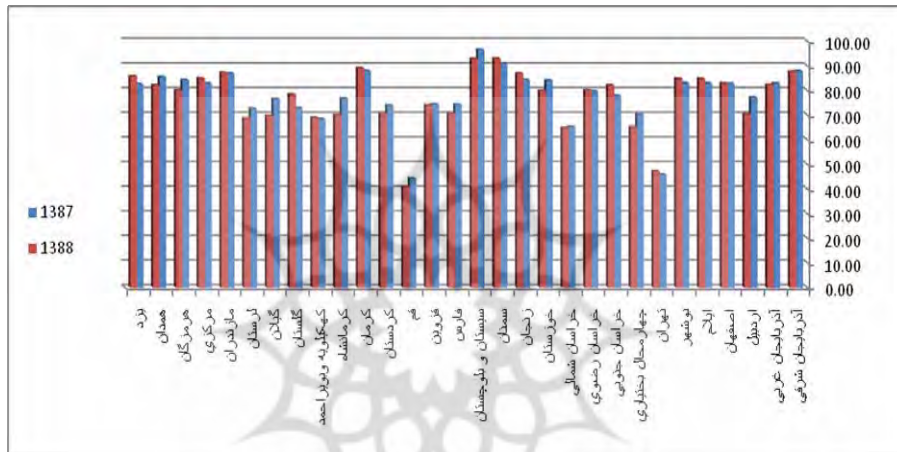


اصفهان	۳۵۱۰۲	۸۲/۷۸	۴۱۵۵۹	۸۲/۹۱
ایلام	۵۸۰۰	۸۳/۰۳	۷۱۶۲	۸۴/۸۴
بوشهر	۵۴۴۵	۸۳/۱۲	۷۰۶۰	۸۴/۸۶
تهران	۷۱۵۴۰	۴۵/۹۶	۸۵۵۳۱	۴۷/۲۱
چهارمحال بختیاری	۷۷۷۹	۷۰/۳۲	۹۴۱۰	۶۵/۱۱
خراسان جنوبی	۴۹۹۴	۷۷/۹۵	۶۶۱۲	۸۲/۱۷
خراسان رضوی	۳۳۷۳۰	۷۹/۷۵	۳۸۵۵۱	۸۰/۱۱
خراسان شمالی	۵۱۴۹	۶۵/۲۷	۵۸۱۷	۶۴/۸۴
خوزستان	۲۲۹۱۹	۴۸/۱۸	۲۵۷۳۸	۷۹/۸۸
زنجان	۶۹۲۶	۸۴/۲۹	۸۳۹۱	۸۶/۹۵
سمنان	۵۱۴۳	۹۱/۰۰	۶۲۰۶	۹۳/۰۴
سیستان و بلوچستان	۸۵۴۴	۹۶/۵۸	۱۰۸۱۴	۹۲/۹۲
فارس	۲۸۴۱۹	۷۴/۳۶	۳۴۶۲۶	۷۰/۶۰
قزوین	۶۲۲۱	۷۴/۴۳	۷۴۷۴	۷۳/۹۶
قم	۷۰۱۶	۴۴/۳۷	۸۵۸۲	۴۰/۹۵
کردستان	۸۸۶۵	۷۴/۰۱	۹۵۴۱	۷۰/۵۶
کرمان	۱۸۰۳۵	۸۸/۰۸	۲۳۴۹۳	۸۹/۱۰
کرمانشاه	۱۳۲۷۷	۷۶/۷۸	۱۴۷۱۰	۷۰/۰۳
کهگیلویه و بویراحمد	۵۶۴۳	۶۸/۴۴	۶۳۷۳	۶۹/۰۱
گلستان	۹۳۹۳	۷۳/۰۱	۱۲۸۹۵	۷۸/۳۹
گیلان	۱۲۴۱۰	۷۶/۵۸	۱۶۵۹۰	۶۹/۷۱
لرستان	۱۲۴۶۸	۷۲/۶۴	۱۴۸۴۶	۶۸/۷۲
مازندران	۲۲۱۶۰	۸۶/۹۳	۲۸۷۳۳	۸۷/۲۶
مرکزی	۸۱۶۵	۸۲/۹۸	۱۰۲۸۷	۸۴/۹۲
هرمزگان	۶۶۱۰	۸۴/۲۷	۸۰۲۱	۸۰/۰۵
همدان	۱۱۸۰۸	۸۵/۴۶	۱۳۹۵۱	۸۲/۱۸
یزد	۸۳۸۰	۸۲/۵۹	۱۰۷۵۷	۸۵/۸۵
جمع	۴۳۷۰۶۹		۸۲۶۸۰۳	
تعداد پذیرفته شدگان بومی	۳۲۶۴۹۷		۳۸۹۳۲۵	
درصد قبولی بومی	۷۴/۷		۷۳/۹	

نمودار شماره ۲: مقایسه تعداد پذیرفته شدگان بومی آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به تفکیک استان



نمودار شماره ۳: مقایسه درصد پذیرفته شدگان بومی آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به تفکیک استان



همان‌طوری که جدول (۱) نشان می‌دهد، در آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ از تعداد ۸۲۵۳۳۱۱ نفر شرکت‌کننده، ۳۲۶۴۹۷ نفر پذیرفته شده بومی می‌باشند. بنابراین حدود ۷۴/۷ درصد بومی‌گزینی بوده. و در سال ۱۳۸۸ از تعداد ۸۵۴۲۲۷۱ نفر شرکت‌کننده، ۳۸۹۳۲۵ نفر پذیرفته شده بومی می‌باشند. بنابراین در این سال نیز حدود ۷۳/۹ درصد بومی‌گزینی بوده است. بیشترین درصد قبولی بومی در آزمون ۱۳۸۷، مربوط به استان

سیستان و بلوچستان با ۸۵۴۴ نفر (۹۶/۵۸٪) بوده است. پس از آن به ترتیب استان‌های سمنان (۹۱٪)، آذربایجان شرقی (۸۷/۹۱٪)، مازندران (۸۶/۹۳٪) دارای بیشترین درصد بومی گزینی بوده‌اند. و در آزمون ۱۳۸۸، مربوط به استان سمنان با ۶۲۰۶ نفر (۹۳/۰۶٪) بوده است. و بعد از آن به ترتیب استان سیستان و بلوچستان (۹۲/۹۲٪)، کرمان (۸۹/۱۰٪)، آذربایجان شرقی (۷۸/۷۰٪)، زنجان (۸۶/۹۵٪) و... بوده است. کمترین در صد قبولی بومی در آزمون ۱۳۸۷، مربوط به استان قم با ۷۰۱۶ نفر (۴۴/۲۷٪) بوده است. و پس از آن به ترتیب استان‌های تهران (۴۵/۹۶٪)، خراسان شمالی (۶۵/۲۷٪) و... بوده است. و در آزمون ۱۳۸۸، مربوط به استان قم با ۸۵۸۲ نفر (۴۰/۹۵٪) بوده است. و پس از آن به ترتیب استان‌های تهران (۴۷/۲۱٪)، خراسان شمالی (۶۴/۸۴٪)، چهارمحال و بختیاری (۶۵/۱۱٪) بوده است. تفاوت دیگر در نتایج آزمون‌های سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، کاهش (۶/۷۸) درصدی پذیرش بومی در استان گیلان و پس از آن کاهش (۶/۷۵) استان کرمانشاه، (۵/۲۱) استان چهارمحال و بختیاری، (۴/۲۲) استان هرمزگان، (۴/۳) استان خوزستان (۳/۷۶) استان فارس، (۳/۶۶) استان سیستان و بلوچستان و (۳/۳۲) استان قم و افزایش درصدی نسبت به سال ۱۳۸۷ بوده است.^۱

ب) پذیرش دانشجویان بومی از منظر عرضه‌کنندگان آموزش عالی و متقاضیان آموزش عالی چگونه تلقی می‌شود؟ و آیا این سیاست می‌تواند همبستگی و انسجام ملی را به همراه آورد؟
۱- توصیف و تجزیه و تحلیل مصاحبه و تحلیل دلایل سیاست پذیرش دانشجویان بومی از دیدگاه مدیران آموزش عالی:

یکی از مسائلی که در این تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت سیاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، در مورد پذیرش دانشجو به صورت بومی گزینی بود. هدف از این کار شناسایی نحوه و چگونگی اتخاذ است. پس از بررسی مصاحبه‌ها مشخص گردید اکثر مدیران دلیل اتخاذ این سیاست را کمبود امکانات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (مانند خوابگاه، مشکلات اسکان و...) و سعی در کمتر کردن میزان افت تحصیلی دانشجویان دانسته‌اند.

در تأکید این مطلب یکی از مدیران آموزشی چنین می‌گوید: «... دولت می‌گوید من به پزشکی احتیاج دارم نه در تهران بلکه در کردستان. پس من کسانی را انتخاب می‌کنم

۱. شایان ذکر است افزایش یا کاهش بیش یا کمتر از ۳٪ آورده نشده است.

که ساکن همان جا باشند و به اقلیم آنجا آشنا باشند و در همان محل نیز بمانند...» مدیر ت: «... دولت که می‌گوید بچه‌ها کنار خانوادشون باشن به خاطر کمبود خوابگاه... مشکلات خوابگاهی دلیل نمی‌شه که تغییر ماهوی در پذیرش باشه... درسته که دانشجو زیاد شده. اما چرا زیاد شدن را با انبوه ساخت و ساز انجام نشه. وقتی خوابگاه مشکل داره پس چرا خوابگاه رو نمی‌بندن پس خوابگاه مشکل نداره مشکل جای دیگری...» مدیر م: «... این سیاست واسه کمبود خوابگاه، دوری از خانواده و زیاد بودن فساد و فحشا گذاشته شده...» در

اما دلیل موافقت خود با این سیاست را کنار خانواده بودن و از بین رفتن هزینه‌های اضافی از دوش خانواده دانسته‌اند.

مدیر دیگری یادآوری می‌نماید: «... درواقع بومی‌گزینی شانس قبولی را از بین نمی‌بره بلکه آن را جا به جا می‌کنه. و بیشتر برای رفع نیاز استان و بوم است و بحث، نیاز کشور است. وقتی دانشجو قوی باشد و آنها را در سطح کشور پخش کرده باشند هیأت علمی قومی می‌طلبند... مثلاً اگر بحث بومی‌گزینی را برداریم (در رشته‌های بومی) ۴۵٪ افراد همان بوم قبول می‌شوند اما اگر بومی‌گزینی کنیم ۱۰٪ بالا و پایین می‌شود یعنی به ۵۵٪ می‌رسیم درواقع شانس از بین نرفته بلکه جا به جا شده...» مدیر ت نیز گفت: «... در مجموع بله، البته به صورت موجود این چند تا دلیل داره یکی به دلیل این‌که پذیرفته شدگان با سطح علمی متوسط و پایین به دانشگاه و مؤسسات واقع در بوم خود هدایت می‌شن و در نتیجه کمتر دچار افت تحصیلی می‌شن. دوم این‌که مشکلات اجتماعی پذیرفته شدگان خب کمتر می‌شه به خصوص دخترها و سوم این‌که مشکل اسکان پذیرفته شدگان تا حد زیادی مرتفع خواهد شد...».

یکی دیگر از مسائلی که مورد تحلیل قرار گرفت دلایل مخالفت مدیران با این سیاست بود، سلب امکان از بعضی داوطلبان و از بین رفتن فرصت برابر دانسته‌اند. برای مثال مدیر الف گفت: «... در یک جاهایی موافقم و در جاهایی مخالفم در ظرفیت‌های آموزش عالی که دولت هزینه پرداخت می‌کنه بسیار محدود هستند و می‌تواند سیاست‌های آن را اتخاذ کنه و می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز لحاظ کنه. این محدودیت‌ها نباید به گونه‌ای باشه که شانس داوطلبینی که در جاهایی که اون رشته و امکانات رشته‌ای آن را ندارند سلب کنه. در واقع باید جوری نگاه کنیم فقط به ظرفیت... نگاه نکنیم. بومی‌گزینی می‌تونه خوب باشه ولی امکانی را از کسی سلب نکنه. دوره روزانه فرق می‌کنه دولت می‌تونه محدودیت بذاره ولی باید یکسان و برابر

در نظر بگیره. نه این که کل را ببندیم. کسانی که علاقه دارند استفاده کنند اما در بقیه دوره‌ها مانند دوره شبانه که استانی است چون داوطلب خودش هزینه را پرداخت می‌کنه. دو بخشی باشه بهتر است یعنی این که هر کسی هزینه را داره بتونه به محل دیگری برود نیازی نیست که بومی باشه و محدودیتی را برای آنها قائل نشن. همان طور که در همه کشورها به ازای پولی که پرداخت می‌کنن به هر جایی که دوست دارن، می‌رن. در دوره پیام نور و غیرانتفاعی هم چون تعداد زیاده سعی شود آزاد باشه که بقیه هم بروند. یک زمانی خوب بود (برای شاغلین و کارمندان به دلیل ارتقاء سطح علمی و مهارتی آنها) ولی اکنون فرق داره ظرفیت بالاست...» مدیر ب چنین اظهار کرد: «... تا حدی موافقم اما نه کاملاً که آن را افزایش دهیم. یک درصدی به بومی‌های منطقه افزوده بشه به این دلیل که به آنهایی که قرار است در بوم خود بمانند خوبه ولی نه زیاد باید به آنها داده شود چون جلوی افراد نخبه را می‌گیره. بومی‌گزینی دو چهره داره. آنهایی که می‌خواهند بمانند و آنهایی که نمی‌خواهند بمانند و افزایش درصد ضرر است و اگر بومی‌گزینی بالا باشد آنهایی که تهرانی هستند شانس بیشتری دارن به دلیل وجود دانشگاه‌های پرتعداد... اما نمی‌تونیم بگوییم که با ورود بچه‌های بهتر آن دانشگاه بهتره. اگر کسی آن استعداد را داشته باشه همه جا می‌تواند ارتقاء یابد و از طریق ارتباط با جاهای دیگر... اما کاملاً آن را رد نمی‌کنم ... به عنوان یک عامل بارز قبول ندارم...».

مدیر ت چنین بیان نمود: «... موافق نیستم. این دو جنبه داره. نقدی بر کسانی که با این موافقن و آنهایی که مخالفن و یک دلیل هم ایجابیه که مال خودمه... موافقان عمده‌ترین دلیلشون مشکلات خوابگاهیه ... از این لحاظ که کنار خانواده باشن درسته. ولی اگه بیش از حد کنار خانواده باشن خیلی بده به این صورت دوره جونیشون طولانی می‌شه و باعث می‌شه که بچه‌ها مستقل بار نیان در واقع بومی‌گزینی باعث عدم دسترسی افراد نخبه به دانشگاه‌های برتر می‌شه...»

تحلیل ارتباط فرهنگی بین اقوام و مذاهب از دیدگاه مدیران آموزش عالی

از نکات دیگری که در مصاحبه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، ارتباط فرهنگی بین قومیت‌ها و مذاهب بود. در اینجا منظور از ارتباط، ارتباط و روابط بین شخصی (بین افراد و شخصیت‌ها) که لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. و حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای و مذهبی است که این امر منجر به گسترش روابط برون‌گروهی می‌شود.

نتایج بدست آمده حاکی از این است که اکثر مدیران بر محدود کردن هم‌زیستی بین اقوام، افزایش درگیری‌های فرهنگی و قومیتی، غریبه شدن اقوام، را از پیامدهای بومی‌گزینی نام بردند.

مدیر الف در این رابطه گفت: «... ارتباط فرهنگی هم مزیت‌هایی دارد و هم معایبی. مهاجرت هم درونی است و هم بیرونی. اما بحث ما مهاجرت درونیه. مزیت ارتباط، ازدواج و رشد فرهنگی. معایب، بحث فرهنگی، درگیری‌های قومیتی و فرهنگی ... وقتی قومیت‌ها کنار هم باشن یک بحث هم زیستی ایجاد می‌کنن که درگیری‌های سیاسی، اجتماعی را کاهش می‌دن اما نقطه منفی بزرگی هم داره که اون از نظر سیاسییه ... که من موافق این نیستم اما اگر بخوام تک‌جوابی بدم بومی‌گزینی تا حدی ارتباط را محدود می‌کنه...» مدیر ب: «... من فکر می‌کنم که این‌طور نباشه الان ارتباط‌ها قویه. دنیا، دنیای ارتباطه و ارتباط هم همه جا مطرحه به این معنی نیست که اگر به فلان دانشگاه نیاید دیگه ارتباطی وجود نداره... ارتباط الکترونیکی در همه جا وجود داره و می‌توان از طریق آن ارتباط برقرار کرد من فکر نمی‌کنم بومی‌گزینی این را تضعیف کرده باشه...» مدیر پ اظهار نمود: «... در این جا باید بررسی بشه و از طریق یک تحقیق باید به جواب رسید باید کیفیت آموزشی را مورد توجه قرار بدیم باید بررسی کرد با بالا و پایین آمدن شانس قبولی چه اتفاقی می‌افته...» مدیر ت چنین گفت: «... بومی‌گزینی ارتباط رو افزایش می‌ده. وقتی تهرانی در تهران می‌مونه ۷۰ تا ۸۰ درصد همسرش تهرانیه و در بقیه شهرها هم همینه ... وقتی بومی‌گزینی می‌کنیم اجازه می‌دیم که قوم‌ها با هم غریبه بشن ... دشمن هم‌زیستی اقوام تعصبه و تعصب از بین نمی‌ره جز با سفر... دانشجویان با سفرهای دانشجویی و ارتباطشون باعث می‌شن که تنش‌های قومی کاهش پیدا کنه اما بومی‌گزینی مانع ادغام اتوماتیک قومیت‌ها با هم می‌شه. هم‌چنین باعث می‌شه که هر قوم با هم باشن و باعث قوی‌تر شدنشون بشه چون با هم متحد می‌شن ...» مدیر ث نیز گفت: «... نه به‌طور کلی چون بومی‌گزینی به‌طور کامل که انجام نمی‌شه در صدیقه...» و به عقیده مدیر م: «... این یه بحث سیاسییه پخش کردن اقوام کنار هم از لحاظ سیاسی اشکال داره اما من به‌عنوان یه مسئول نمی‌تونم بیشتر از این بگم...».

نکته قابل توجه این‌که اکثر مدیران بیان می‌کردند که بومی‌گزینی مانع ادغام و همبستگی بین اقوام و مذاهب مختلف موجود در کشور می‌شود و این باعث افزایش تنش‌های قومی و مذهبی می‌شود که به مرور زمان باعث اتکا هر قوم به خود و فاصله اقوام از یکدیگر می‌شود و همان‌طور که مشاهده شد یکی از مدیران دلایل سیاسی را

عنوان کرد و پاسخ روشنی به این سؤال نداد. به هر جهت نکات کلیدی مورد توجه مدیران آموزش عالی به شرح جدول زیر خلاصه شده است:

جدول شماره ۲: خلاصه مصاحبه با مدیران آموزش عالی

مدیران سؤالات	مدیر الف	مدیر ب	مدیر پ	مدیر ت	مدیر ث	مدیر م
۱- دلایل مخالفت سیاست پذیرش دانشجوی بومی	سلب امکان از داوطلبان - نسبتاً چون هزینه پرداخت می‌کند بومی نباشد.	درصدی به بومی‌های منطقه داده شود - اگر کسی استعداد داشته باشد هر جا دوست دارد برود		عدم استقلال دانشجویان - بومی‌گزینی باعث عدم دسترسی افراد نخبه به دانشگاه‌های کشور		
۲- دلایل موافقت سیاست پذیرش دانشجوی بومی			شانس از بین نرفته بلکه جا به جا شده		کاهش افت تحصیلی - کاهش مشکلات اجتماعی - کاهش مشکل اسکان	چون سیاسی حرف نمی‌زنم کاهش افت تحصیلی - کاهش مشکلات اجتماعی - کاهش مشکل اسکان
۳- ارتباط فرهنگی بین قومیت‌ها و مذاهب	مزیست ارتباط، ازدواج و رشد فرهنگی، معایب، بحث فرهنگی، درگیری‌های قومیتی و فرهنگی ... وقتی قومیت‌ها کنار هم باشن یک بحث هم زیستی ایجاد می‌کند که درگیری‌های سیاسی، اجتماعی را کاهش می‌دهد - محدود کردن ارتباط	ارتباطی وجود ندارد.	دنیای ارتباط و ارتباط همه جا مطرح است. به این معنی نیست که اگر به فلان دانشگاه نیايد ديگه ارتباطی وجود ندارد.	قوم‌ها با هم غریبه می‌شن، بومی‌گزینی دشمن همزیستی اقوام است.	بومی‌گزینی به‌طور کامل که انجام نمی‌شه در صلبه.	پخش کردن اقوام کنار هم از لحاظ سیاسی اشکال داره
			باید کیفیت آموزشی را مورد توجه قرار بدیم باید بررسی کرد با بالا و پایین آمدن شانس قبولی چه می‌شود			

۱- توصیف و تجزیه و تحلیل پرسشنامه و تحلیل متقاضیان آموزش عالی از سیاست پذیرش دانشجویان بومی:

پس از مصاحبه با مدیران، تصمیم گرفته شد که از متقاضیان آموزش عالی نیز در مورد این نحوه پذیرش دانشجو نظرخواهی شود. همان‌طور که در قسمت تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها گفته شد مدیران آموزش عالی، بومی‌گزینی را مانع ادغام و همبستگی بین قومیت‌ها و مذاهب مختلف موجود در کشور دانستند که باعث افزایش تنش‌های قومی و مذهبی می‌شود که به مرور زمان باعث تقویت هر قوم با خود می‌شود.

در همین راستا یک قسمت از سؤالات پرسشنامه ابعاد این نوع سیاست پذیرش دانشجویان را مورد نظرخواهی قرار داد. نتیجه این نظرخواهی در پنج گروه کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم در بازه‌های ۱۳-۹ (کاملاً مخالف)، ۱۸-۱۴ (مخالف)، ۲۵-۱۹ (متوسط)، ۳۰-۲۴ (موافق) و ۳۵-۳۱ (کاملاً مخالف) قرار گرفت. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل پرسشنامه با توجه به مشاهدات جدول (۳) میانگین ارتباط پذیرش دانشجوی بومی و همبستگی ملی برای گروه زنان برابر ۲۷/۸۵ برای گروه مردان ۲۹/۴۲ می‌باشد. نتایج بررسی پرسشنامه نشان می‌دهد که پذیرش دانشجوی بومی به شناخت کمتر اقوام، و از بین بردن دلبستگی‌های قومی و عدم ارتباط اجتماعی برای فراهم‌سازی فرصت تماس گروه‌های زبانی، قومی، نژادی و فرهنگی دانسته شد. لذا از نظر دانشجویان، پذیرش دانشجوی بومی باعث عدم گسترش و انسجام و همبستگی ملی می‌شود.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخ‌دهندگان به ارتباط پذیرش دانشجوی بومی و همبستگی ملی

میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد مشاهده	اعتماد اجتماعی
۲۷/۸۵	۴۱/۰۰	۱۳/۰۰	۱۳۴	زن
۲۹/۴۲	۴۵/۰۰	۱۳/۰۰	۹۵	مرد

برای بررسی علمی وجود اختلاف بین نظر گروه‌های زن و مرد در مورد ارتباط پذیرش دانشجوی بومی و همبستگی ملی از آزمون من - ویتنی استفاده شد. و فرض همانند بودن نظر مردان و زنان با سطح معنی‌داری ۰/۶۰۸ بدست نیامد. در نتیجه در ارتباط با این موضوع اختلاف نظری هم بین دانشجویان زن با دانشجویان مرد وجود ندارد.

	C1
Mann- whitney u	6.112E3
Wilcoxon W	1.516E4
Z	-.512
Asymp.sig.(2-tailed)	/608

در این پرسشنامه هم‌چنین از دانشجویان خواسته شده بود به کمک سؤال باز پاسخ آخر پرسشنامه درباره مزایا و معایب سیاست بومی‌گزینی نیز اظهار نظر بکنند، که تعداد نفر ۱۰۲ از دانشجویان به شرح زیر به این سؤال پاسخ دادند.

الف) تحلیل مزایای بومی‌گزینی از نظر دانشجویان

دانشجویانی که به این سؤال پاسخ داده‌اند؛ بیشترین مزایای بومی‌گزینی را عدم دوری از

خانواده، کاهش مخارج خانواده، جلوگیری از فساد و فحشا مخصوصاً برای دختران، کاهش مشکلات روحی، روانی، اجتماعی و اقتصادی دانشجو به دلیل همجواری با خانواده تأکید کرده‌اند. در ادامه مهم‌ترین پاسخ‌های دانشجویان در مورد مسأله که بکرات نیز گفته شده است؛ آورده می‌شود.

«... باعث می‌شود که روابط خانوادگی مستحکم‌تر شود و درس خواندن در شهر و خانه و جایی که به آن تعلق دارد آرامش زیادی به هر دانشجو مخصوصاً دختران می‌بخشد...». «بزهکاری و فساد اخلاقی کاهش می‌یابد، رقابت افزایش پیدا می‌کند...». «... شانس یکسانی را برای پذیرش افرادی که در سطح پایین‌تر علمی قرار دارند فراهم می‌کند و این که تحصیل مخصوصاً برای خانم‌ها در مناطق بومی بسیار بهتر بوده و در مجموع تحصیل در مراکز آموزش عالی بومی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد...». «... امکانات شغلی بهتری ایجاد می‌شود و باعث می‌شود که استعداد دانشجو کاملاً شکوفا شود چون در کنار خانواده می‌باشد، و هم مشکلات اقتصادی کمتری دارد...». «... در استان‌هایی که از نظر آموزشی ضعیف هستند به نفع دانشجویان آن منطقه است چون باعث می‌شود راحت‌تر وارد دانشگاه شود و دختران کمتر دچار آسیب اخلاقی می‌شوند...». «... دانشجویانی که دارای فرهنگ یکسان هستند در محیط خوابگاه و دانشگاه با هم سازگاری و همکاری بیشتری دارند و هم‌چنین باعث پخش افراد نخبه در کشور می‌شود...».

همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد دانشجویان بهترین مزیت‌های بومی‌گزینی را برطرف کردن مشکلات خوابگاه، کاهش هزینه‌های تحصیل و رفت و آمد دانسته‌اند از نظر دانشجویان قبول شدن در محل زندگی خود یا نزدیک به آن باعث بهتر شدن امکانات و هم‌چنین این که با اتخاذ این سیاست آسیب‌هایی را که ممکن است دانشجویان به خصوص دختران با آن مواجه شوند کمتر می‌شود. به‌طور دقیق‌تر این که بیشترین دغدغه دانشجویان هزینه‌ها و آسیب‌هایی هستند که در شهرهای دور از محیط زندگی گریبان‌گیر دانشجو می‌شود البته تنی چند از دانشجویان کاهش هزینه‌های دولت را نیز بیان کرده‌اند. که به نظر می‌رسد یکی از دلایلی است که باعث اتخاذ این سیاست شده است.

ب) تحلیل معایب بومی‌گزینی از نظر دانشجویان

دانشجویان بیشترین معایب بومی‌گزینی را کاهش تبادل فرهنگی، پایین آمدن سطح کیفی دانشگاه‌ها و، از بین رفتن فرصت برابر دانسته‌اند. در ادامه مهم‌ترین پاسخ‌ها آورده می‌شود.

«... باعث کاهش تبادل اطلاعات و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها می‌شود و برای رعایت

عدالت باید در رشته‌های خاصی و با شرایط خاصی باشد...». «... دانشجویان نمی‌توانند در دانشگاه مورد علاقه خود به تحصیل مشغول شوند و هر جا که علاقه نباشد استعداد کور است...». «... بومی‌گزینی باعث می‌شود دانشجویان نتوانند شهر مورد علاقه و رشته مورد علاقه‌شان را انتخاب کنند و تن به تحصیل اجباری در رشته‌ای بدهند به همین دلیل سطح سواد آنها پایین آمده چرا که با علاقه درس نخوانده‌اند...». «... پذیرش به صورت بومی رقابت را از بین می‌برد و کیفیت دانشگاه‌ها را کاهش می‌دهد...». «... نابودی افکار نخبه‌ها، بی‌عدالتی محض و بی‌عدالتی در امکاناتی که باید در اختیار نوابغ قرار گیرد...». «... دور ماندن از رقابت با دانشجویان دانشگاه‌های برتر کشور، آشنا نشدن با دیگر فرهنگ‌ها و سنت‌ها...». «... باعث می‌شود که هر کس فقط فرهنگ شهر خودش را بشناسد و با قومیت‌های مختلف آشنایی زیادی نداشته باشد...». «... افراد نمی‌توانند با آداب و رسوم دیگران آشنا شوند و از نظر سیاسی و مسائل دیگر افراد در سلیقه‌های مختلف‌ها هماهنگ می‌شوند و آگاهی بیشتر می‌شود، تبعیض نژادی به وجود می‌آید...». «... پذیرش دانشجو به صورت بومی باعث کاهش کیفیت دانشگاه‌هایی می‌شود که همجوار با استان‌های محروم هستند و هم‌چنین باعث می‌شود افرادی کم‌استعداد تنها به دلیل بومی‌گزینی وارد دانشگاه‌هایی شوند که سطح کیفی بالا دارند که این خود باعث نابرابری است. آن هم در مورد آقایان اما بومی‌گزینی در مورد خانم‌ها باعث رضایت و اطمینان بیشتر خانواده از فرزندان می‌شود...». «... به شرطی خوب است که سطح کیفی دانشجویان و صد البته دانشگاه‌های کشور بیشتر به هم نزدیک شود در غیر این صورت اگر سطح دانشگاه‌ها مساوی نشود بومی‌گزینی بزرگترین اجحاف در حق متقاضیان در دانشگاه‌های معتبر است...».

همان‌طور که از نتایج پاسخ دانشجویان به سؤال برمی‌آید بیشترین معایب بومی‌گزینی را کمبود امکانات در همه استان‌های کشور دانسته‌اند و این‌که همه امکانات در چند شهر بزرگ جمع شده است و به ضرر دانشجویان شهرهای محروم می‌باشد. نتیجه این‌که اول باید سطح کیفی همه دانشگاه‌های کشور را همسان کرد بعد به اتخاذ این سیاست پرداخت نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این‌که همه رشته‌ها در همه استان‌ها و مناطق وجود ندارد یا اگر وجود دارد از نظر کیفی و کمی (دانشگاه معتبر، اساتید مجرب، هیأت علمی قوی) مانند هم نیستند. از نکات مهم معایبی که دانشجویان به آن اشاره کرده‌اند عدم آشنایی افراد با آداب و رسوم شهرها و اقوام مختلف و این‌که در طول زمان باعث از بین رفتن وحدت و یگانگی و انسجام ملی کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این پژوهش بررسی سیاست پذیرش دانشجوی بومی از منظر متقاضیان و مدیران آموزش عالی است. نتایج بدست آمده در مورد سؤال اول تحقیق که به نوعی از دید آماری به وضعیت موجود پذیرش دانشجویان با توجه به سیاست بومی‌گزینی در کنکور ۱۳۸۸ را مورد بررسی قرار داده است، نشان می‌دهد که ۷۳/۹ درصد پذیرفته شده بومی در این سال داشته‌ایم.

در آزمون سال ۱۳۸۸، از تعداد ۱۲۲۷۸۵۴ نفر شرکت‌کننده که ۷۶۴۵۳۶ نفر زن و ۴۶۳۳۱۸ نفر مرد بوده‌اند؛ ۳۸۹۳۲۵ نفر پذیرفته شده بومی بوده‌اند (۷۳/۹٪) که تعداد پذیرفته‌شدگان بومی زن ۲۵۳۵۳۰ نفر (۷۶/۸۰٪) و تعداد پذیرفته‌شدگان مرد ۱۳۵۷۹۵ نفر (۶۹/۰۵٪) بوده است. در دوره روزانه تعداد پذیرفته‌شدگان بومی در سال ۱۳۸۸، ۵۰۵۰۸۰۰ نفر (۵۵/۹۱٪) بوده؛ در دوره شبانه تعداد پذیرفته‌شدگان بومی، ۲۳۷۱۶۰۰ نفر (۷۸/۷۴٪) بوده، در دوره پیام نور تعداد پذیرفته شده بومی، ۲۳۸۶۵۳ نفر (۹۰/۴۱٪) بوده و در دوره غیرانتفاعی تعداد پذیرفته شده بومی ۶۵۳۵۲۰۰ نفر، (۵۲/۶۸٪) بوده است.

در گزینش سال ۱۳۸۷ با توجه به آمارهای موجود کلاً ۷۴/۴٪ بومی‌گزینی داشته‌ایم. در حالی که در سال ۱۳۸۶ این مقدار ۷۲/۵۹٪ بوده که یک افزایش ۱/۸۱٪ را نشان می‌دهد. در آزمون ۱۳۸۷، از تعداد ۱۳۳۱۸۲۵ نفر شرکت‌کننده که ۸۴۴۰۷۵ نفر زن و ۴۸۷۷۵۰ نفر مرد بوده‌اند. ۳۲۶۴۹۷ نفر پذیرفته شده بومی بوده‌اند (۷۴/۷٪) که تعداد پذیرفته‌شدگان بومی زن ۲۱۷۲۷۶ نفر (۷۸/۱۱٪) و تعداد پذیرفته‌شدگان مرد بومی ۱۰۹۲۲۱ نفر (۶۸/۷۳٪) بوده است. در دوره روزانه تعداد پذیرفته‌شدگان بومی در سال ۱۳۸۷، ۵۰۴۵۹۰۰ نفر (۹۱/۵۸٪)، در دوره شبانه تعداد پذیرفته‌شدگان بومی، ۲۱۵۶۹۰۰ نفر (۹۵/۷۹٪) بوده، در دوره پیام نور ۲۰۷۰۷۹ نفر، (۵۱/۹۰٪) و در دوره غیرانتفاعی تعداد پذیرفته شده بومی ۴۴۰۶۱۰۰ نفر، (۴۹٪) بوده است.

نتایج نشان داد که در آزمون سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷، ۱/۸٪ کاهش بومی‌گزینی به چشم می‌خورد. و ۱/۸۳٪ کاهش بومی‌گزینی در پذیرفته شده زن و ۰/۳۲٪ افزایش بومی‌گزینی در پذیرفته شده مرد، (۳/۵۴٪) افزایش بومی‌گزینی در دوره روزانه، ۱/۲۱٪ کاهش بومی‌گزینی در دوره شبانه، ۰/۱٪ کاهش بومی‌گزینی در دوره پیام نور، ۴/۱۵٪ افزایش بومی‌گزینی در دوره غیرانتفاعی به چشم می‌خورد.

در حالی که نتایج تحلیل مصاحبه با مدیران آموزش عالی، بومی‌گزینی را مانع ادغام و

همبستگی بین قومیت‌ها و مذاهب مختلف موجود در کشور دانستند که باعث افزایش تنش‌های قومی و مذهبی می‌شود و به مرور زمان باعث تقویت هر قوم با خود می‌شود. هم‌چنین یافته‌های حاصل از نظرخواهی از دانشجویان نشان می‌دهد که دانشجویان این نوع پذیرش دانشجو در دانشگاه را مانعی برای شناخت اقوام، و از بین بردن دلبستگی‌های ملی و عدم ارتباط اجتماعی دانسته‌اند.

بنابراین هم داده و اسناد و گزارش‌های آماری نشان از حضور کم‌رنگ گروه‌های قومی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است و هم در تصور و دیدگاه یاران مختلف آموزش عالی این نکته مورد تأکید قرار گرفت. لذا به نظر می‌رسد که این شیوه پذیرش دانشجو شاید به همبستگی ملی آسیب برساند. علی‌الخصوص با توجه به تنوع در آموزش عالی و وجود گروه‌های مختلف قومی، ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان دو مفهوم تعلقات قومی و تعلقات ملی و تعریف ارتباط منطقی بین هویت قومی و هویت ملی و اتخاذ سیاست‌های کارشناسانه و مدبرانه در آموزش عالی می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه متوازن و پایدار آموزشی در هر جامعه‌ای را به دنبال داشته باشد. هرگاه سیاست‌های اتخاذی در آموزش عالی یک جامعه دربرگیرنده تعامل و تشریک هویت فردی، قومی و ملی آن جامعه نباشد و تمایلات قوم‌گرایانه در طول گرایش‌ها و تعلقات ملی تعریف و پذیرفته نباشد؛ برآیند کنش‌های حاصل از هر یک نه تنها به توسعه و پایداری امنیت ملی و وحدت و همگرایی نخواهد انجامید، بلکه تنش، تضاد و تقابل این نیروها را در عرصه‌های گوناگون (آموزشی، اجتماعی، سیاسی و...) به دنبال خواهد داشت. جانسون (۱۹۹۳) معتقد است اعتماد یک خصیصه شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد. بقاء و تداوم جوامع و گروه‌های انسانی وابسته به کنش‌ها و روابط اعضاء آنها است. سطح و عمق کنش‌های انسانی در یک گروه نشان‌دهنده پیوستگی، انسجام، همدلی و تعلق میان اعضاء است. صاحب‌نظران علوم انسانی معتقدند آنچه که سطح کنش‌های انسانی را شکل می‌دهد نیاز انسان‌ها است. هر مقدار نیازهای افراد بیشتر و پردامنه‌تر باشد سطح کنش‌های آنها گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود. عمق کنش‌ها نیز بستگی به اعتماد و عواطف افراد نسبت به یکدیگر دارد بنابراین در اعتماد باید به طرفین درگیر ارتباط اجتماعی توجه داشت. وقتی مردم خود را به‌عنوان بخشی از اجتماعی اخلاقی که دارای سرنوشت مشترکی با

هم هستند نمی‌دانند، نمی‌توانند با جامعه همبستگی داشته باشند و از این‌رو اعتماد اجتماعی بالایی هم نخواهند داشت؛ چرا که همبستگی داشتن با جامعه پیش شرط داشتن اعتماد است در واقع اعتماد اجازه می‌دهد که افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به واسطه این تسهیل کنش است که از اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی یاد می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷).

گزینش و پذیرش دانشجو از مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشور می‌باشد و در رأس برنامه‌های وزارت علوم و سازمان سنجش و آموزش کشور قرار دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست بومی‌گزینی طرحی است که به نظر می‌رسد بدون برنامه‌ریزی بلند مدت، دقیق و همه‌جانبه طرح‌ریزی شده است. از این لحاظ ممکن است در دراز مدت به ضرر همبستگی و اتحاد و انسجام ملی و فرصت امکان همه‌جانبه و برابر آموزشی را برای همه اقشار جامعه نتواند مهیا کند. اگرچه آسیب‌های اجتماعی و مشکلات روحی و روانی در دانشجویان وجود دارد، دانشگاه‌ها باید به رفع آسیب کمک کنند نه این‌که جلوی آن را بگیرند چون این آسیب‌ها در جامعه وجود دارند رفع و حل کردن آنها فقط از طریق دانشگاه‌ها نمی‌باشد و همه مؤسسه‌ها و نهادها باید در رفع این مشکل همکاری کنند.

نظام آموزش عالی در پاسخگویی به نیازهای جامعه نقش و مسئولیت مهمی را برعهده دارد و به‌عنوان عامل توسعه اقتصادی، انتقال دانش، تربیت افراد برای تصدی مشاغل مختلف در جامعه از همه مهم‌تر عامل تحریک و همبستگی اجتماعی شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد سیاست پذیرش دانشجوی بومی فرصت و شانس دستیابی به پیوندهای متنوع و برقراری ارتباط با اقوام مختلف را از افراد می‌گیرد و از طرف دیگر تفکرات قالبی و کلیشه‌ای در فرهنگ‌ها به وجود می‌آورد و موجب می‌شود که افراد نتوانند در صحنه‌های مختلف جامعه و فعالیت‌های اجتماعی به‌طور فعال حاضر شوند و از بسیاری فرصت‌ها محروم می‌مانند. این تفکیک‌ها بین اقوام و قشرهای مختلف در ارتباط و اجتماعات فردی افراد تأثیر می‌گذارد و افراد را به شبکه‌های اجتماعی متفاوتی سوق می‌دهد. که از منظر نظریه سرمایه اجتماعی و تشکیل یک شبکه ملی گسترده و همبسته نیز قابل تأمل است. بدین ترتیب، آموزش عالی یک ورود مهم برای تحلیل فرایندهای کلی تغییر و شکل‌گیری ملت و دولت در کشورهای در حال توسعه است (صالحی‌عمران، ۱۳۸۳). همان‌طوری که گرین (۱۹۹۷) هم یادآور شد آموزش عالی نه تنها دانش و مهارت فنی سطح بالایی را فراهم می‌کند که صنعت آینده بدان نیازمند است و

آنچه که بورکراسی دولتی برای برنامه‌ریزی استراتژیک مؤثر بدان تکیه می‌کند. آموزش عالی هم‌چنین گرایش و انگیزش‌ها را در افراد توسعه می‌دهد که به‌طور اطمینان بخشی به‌صورت گروهی همکاری کنند و در اهداف توسعه ملی و فراملی مشارکت فعال داشته باشند.

یادداشت‌ها

۱- ماده ۵۲. دولت موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی آن دسته از اقدام‌ها که جنبه قانون‌گذاری ندارد را به انجام برساند (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴).

منابع

- احيایی، زینب (۱۳۷۷)؛ «آموزش عالی در ایران»، *مجله اطلاع‌رسانی و کتابداری «کیهان فرهنگی»*، ش ۱۴۲، صص ۵۰-۵۳.
- جهانیان، منوچهر و مهدی قرخلو و ابتهاج زندی (۱۳۸۹)؛ «مقدمه‌ای بر همبستگی ملی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و گردشگری» *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، س ۲، ش ۳، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- حافظ‌نیا محمدرضا، رضا الله‌وردی‌زاده (۱۳۸۸)؛ «رابطه سیستم سیاسی بسیط با همبستگی ملی: بررسی موردی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۵، ش ۱، زمستان، صص ۴۱-۶۸.
- دفترچه راهنمای کنکور، انتخاب رشته، ج ۱، سال ۱۳۸۸.
- دهنوی، حسنعلی (۱۳۸۲)؛ «بررسی پیشینه اجتماعی متقاضیان ورود به آموزش عالی»، *مجله علوم انسانی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۳۴، صص ۹۳-۱۲۳.
- ذرنوخی، مریم (۱۳۸۱)؛ «بررسی دانشگاه و آموزش عالی در ایران (با تکیه بر دوران حکومت رضاه شاه پهلوی)»، *مجله تاریخ، تاریخ پژوهشی*، ش ۱۳-۱۲، صص ۱۲۳-۱۵۹.
- رجبی معماری، اسماعیل (۱۳۸۸)؛ «بررسی آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی در آزمون سراسری مراکز آموزش عالی دولتی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- رحیمی، حسن (۱۳۷۹)؛ «برابری فرصت‌ها در ورود به آموزش عالی»، *پیک سنچس*، س ۵، ش ۱۸۹، صص ۱۵-۲.

- روشن، احمدرضا (۱۳۸۷)؛ «تعیین پذیرش دانشجوی در دانشگاه‌های صنعتی کشور براساس یک مدل برنامه‌ریزی خطی»، *فصل‌نامه آموزش مهندسی ایران*، ش ۴۰، صص ۵۳-۷۹.
- صالحی‌عمران، ابراهیم (۱۳۸۳)؛ «دولت و ملت در آموزش عالی»، دایره‌المعارف در آموزش عالی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- غفرانی، حمیرا (۱۳۸۹)؛ «رویکردهای شناخت هویت ملی»، *فصلنامه داخلی علمی - آموزشی - پژوهشی فهم و توان، علوم اجتماعی*، زمستان، صص ۴۵-۴۸.
- قرخلو، مهدی (۱۳۸۲)؛ «تحکیم همبستگی ملی با تأکید بر عناصر جغرافیای فرهنگی در ایران»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۴۶، زمستان، صص ۷۵-۸۶.
- کارنامه حقیقی، حسن و نعمت‌ا... اکبری (۱۳۸۴)؛ «بررسی مشارکت زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در ایران»، *پژوهش زنان*، دوره ۳، ش ۱، صص ۶۹-۱۰۰.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)؛ *بنیاد نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- میجهدی، زهرا (۱۳۷۲)؛ *بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موفقیت در دانشگاه*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- مردیها، ناصر (۱۳۸۳)؛ «آسیب‌شناسی آزمون ورودی دانشگاه»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۳۱، ۳۲، صص ۹۱-۱۳۰.
- نورشاهی، نسرين (۱۳۷۸)؛ «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی دولتی در ایران»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۱۸، صص ۵۰-۷۴.
- Green, A. (1997); Education and state formation in Europe and Asia, in Kennedy, K. (ed) *Citizenship educational and the modern state*, London and Washington DC: The Falmer Press.
- Louise Archer (2007); Diversity, equality and higher education: a critical reflection on the ab/uses of equity discourses within widening participation, *Journal of Teaching in Higher Education*, Vol. 12, No. 5-6, October-December 2007, PP 635-65.
- Lyons, N.P. (1992); Women's Education, In: M.C.Alkin (ed.) *Encyclopedia of Educational Research*, New York, Macmillan Publishing, PP 1520-1524.